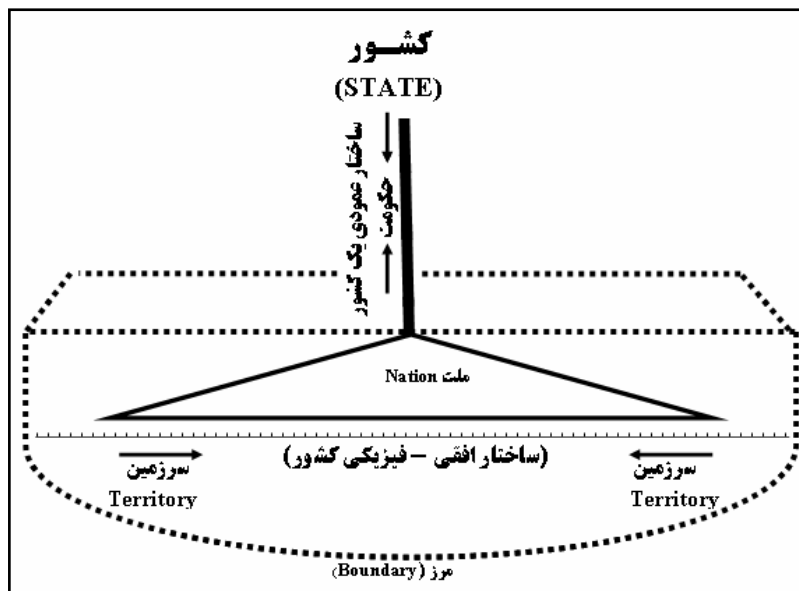


## برابری معنایی واژگان جغرافیای سیاسی

دکتر پیروز مجتهدزاده\* - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

دکتر محمدرضا حافظنیا - استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

واژه استیت State در انگلیسی و اتا Etat در فرانسه از نظر لغوی به معنی "حالت" و "وضعیت" است. در کاربرد مدیریت سیاسی جوامع (مدیریت سیاسی کشور) این واژه یا اصطلاح به معنی "حالت سیاسی" یا "ساختار سیاسی" کشور است. با شناخت این زمینه اولیه، در تلاش برای یافتن مرادفای برای این واژه یا اصطلاح اروپایی در زبان فارسی این نتیجه حاصل می‌شود که مرادفای تک واژه‌ای فارسی خاصی را نمی‌توان در برابر این واژه یافت. در حقیقت آنچه در اندیشیدن فارسی در برابر این کلمه یا اصطلاح قرار می‌گیرد، توأمی است از دو مفهوم "حکومت" و "کشور". استیت State در جغرافیای سیاسی عبارت است از واقعیتهای ترکیبی مشتمل بر سرزمین، ملت، و ساختار سیاسی یا حکومت که در فرایند سامان‌یابی سیاسی ملت برای مدیریت سیاسی کشور ایجاد می‌شود.

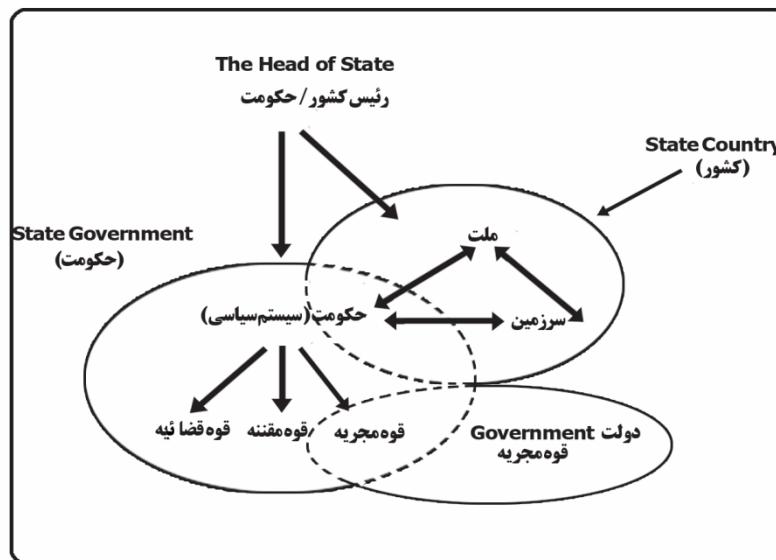


نمودار شماره ۱: عناصر سه‌گانه تشکیل‌دهنده کشور State (سرزمین، ملت و حکومت)

\*pirouz\_mojtahedzadeh@hotmail.com

بنابراین آنجا که مفهومی ترکیبی از این نام یا اصطلاح اروپائی مورد توجه باشد، مفهوم یا اصطلاح "کشور" مورد نظر است، مثلا در جمله انگلیسی The boundaries of the two states in the Persian Gulf به معنی "مرزهای دو کشور در خلیج فارس" است و آنجا که مفهومی سیاسی از این نام یا اصطلاح اروپایی در نظر باشد، مفهوم یا اصطلاح فارسی/ عربی "حکومت" مورد توجه است، مثلا در جمله انگلیسی The two states have decided to settle their boundary disputes (یا دو دولت که هر یک از طرف حکومت خود عمل می‌کند) تصمیم گرفته‌اند که اختلافات مرزی خود را سامان دهند.

مفهوم استیت State در علوم مختلف که با مطالعه مدیریت کشور سر و کار دارند، مانند علوم سیاسی، جغرافیای سیاسی، ژئوپلیتیک، روابط بین‌الملل، حقوق بین‌الملل و علوم اجتماعی مورد بحث اصلی است. در حالی که علوم سیاسی به مکاتب و نظریه‌های سیاسی مربوط به چگونگی اداره سیاسی State (کشور) توسط دولت‌ها و احزاب می‌پردازد، جغرافیای سیاسی به ساختار فضایی یا محیطی State (کشور) می‌پردازد و روابط بین‌الملل روابط میان استیت‌ها States (کشورها) را مورد مطالعه قرار می‌دهد. به این ترتیب تردیدی باقی نمی‌ماند که استیت State در جغرافیای سیاسی موضوع اصلی و هسته مرکزی بحث‌ها است. در اینجا باید توجه داده شود که این واژه یا اصطلاح اروپائی از گذشته‌های دور در فارسی به گونه "دولت" ترجمه شده است، حال آن که مرادف واژه "دولت" در زبان‌های اروپائی واژه یا اصطلاح Government گاورنمنت است که اشاره به مدیریت سیاسی و "هیات مدیران" کشور دارد که در رأس قوه مجریه از نظام حکومتی قرار می‌گیرد. واژه گاورنمنت از ریشه to govern به معنی اداره کردن است، حال آن که "State" عبارت است از ساختار کلی نظام حکومتی در کشور. ارتباط علمی دو واژه "حکومت" و "کشور" و برابری آمیخته‌ای از این دو با واژه State، در تعاریف جغرافیای سیاسی چنین آمده است: "حکومت" بعد عمودی ساختار سیاسی تشکیلات قانونی است که بر بنیاد خواست و رضایت عمومی مردم در یک گروه انسانی مشخص، پای می‌گیرد که "سرزمین" چهره افقی آن شمرده می‌شود. به گفته دیگر، "سرزمین" جلوه‌گاه فیزیکی ساختار سیاسی کشور است که بعد عمودی‌اش "حکومت" خوانده می‌شود که خود محصول اراده "ملت" است.



نمودار شماره ۲: عناصر اصلی تشکیل دهنده کشور و زیرمجموعه‌های آنها

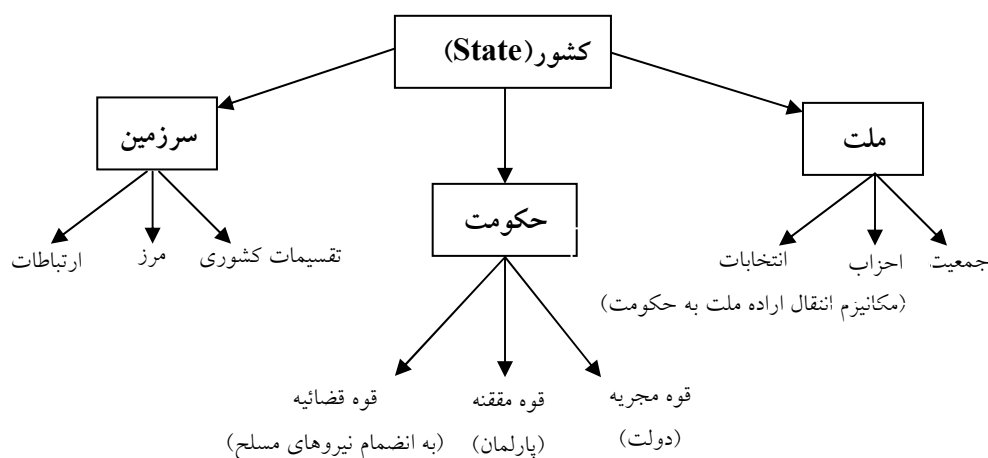
از سوی دیگر، اصطلاح "کشور" در زبان فارسی در راستای برداشتی سرزمینی و جغرافیایی، با مفهوم کانتری Country در زبان انگلیسی هماهنگی دارد، ولی در راستای برداشتی سیاسی، کشور با مفهوم استیت State برابری دارد. در حالی که یگ گروه انسانی ساکن در یک "سرزمین = Territory" ویژه با برخورداری از یک رشته عوامل مادی و معنوی پیوند دهنده، "ملت = Nation" خوانده می‌شود، "حکومت = State" بُعد عمودی ساختار سیاسی تشکیلات قانونی حاکم بر آن سرزمین و آن ملت است که بر مبنای رضایت عمومی ملت پای می‌گیرد و "سرزمین" یا "بوم"، چهره افقی یا فیزیکی ساختار سیاسی یاد شده است. به گفته دیگر، "سرزمین" جلوه‌گاه فیزیکی حکومت است و "حکومت" ساختار عمودی و قانونی و سازمان دهنده سرزمین است و این دو تنها در رابطه با مفهوم "ملت" واقعیت جغرافیایی - سیاسی پیدا می‌کنند. در عین حال، شایان توجه است که در جغرافیای سیاسی و جغرافیای شهری مجموعه شهرداری‌ها و شوراهای شهر را "Local Government" یا دولت محلی می‌خوانند و حکومت‌های ایالتی در نظام‌های فدرالیده مانند ایالات متحده و آلمان "Local State" یا حکومت محلی خوانده می‌شوند.

از سوی دیگر، شایان توجه است که حکومت State بدون اعمال حاکمیت Sovereignty معنی و مفهومی ندارد و این دو مفهوم (حکومت و حاکمیت) تفکیک‌ناپذیرند. بحث "حاکمیت" حکومت در جغرافیای سیاسی محدود به این توضیح است که اداره امور سرزمین و ملت بدون اقتدار و حاکمیت امکان‌پذیر نیست. بنابراین حکومت، اقتدار و حاکمیت تفویض شده از سوی ملت به آن که در فرایند دموکراسی انجام پذیرفته را برای اداره کشور از راه به اجرا در آوردن قانون اساسی و قوانین تابع آن اعمال می‌نماید.

در کاربرد جغرافیائی این مفهوم است که باید توجه داشت State، به معنی کشور، از سه پدیده یا عنصر اصلی تشکیل می‌شود که هر یک زیر مجموعه خود را دارند؛ این سه پدیده یا عنصر اصلی عبارتند از: "ملت = Nation"، "حکومت = Sstate"، و "سرزمین = Territory". همچنین، از به هم آمیختن دو مفهوم "حکومت = State" و "ملت = Nation" در اروپای قرن نوزدهم، مفهوم "حکومت ملت پایه = Nation State" پدید آمده است؛ آشنایی مفهومی با این گونه ویژه از نظام حکومتی که بر اساس موجودیت یک ملت مشخص توجیه شده و مشروعیت می‌یابد، هنگامی آسان‌تر است که با مفاهیم کهن‌تر، مانند "حکومت سرزمینی = Territorial State" که با گسترش فتوحات توجیه شده و مشروعیت می‌یافت، و "حکومت قبیله‌ای = Tribal State" که قدیم‌ترین نوع حکومت شمرده می‌شود، به قیاس در آید.

در گذار از شیوه‌های حکومتی در دوران‌های کهن به دوران دموکراسی در عصر مدرنیته سه مفهوم به هم وابسته ملت، حکومت، و سرزمین در هم آمیخته و جدایی‌ناپذیر شدند و بر اساس همین پیشینه جغرافیایی - سیاسی است که "دموکراسی" جغرافیایی‌ترین شیوه از شیوه‌های حکومتی شناخته می‌شود. جدایی‌ناپذیری سه مفهوم "ملت"، "حکومت" و "سرزمین" ناشی از رابطه‌ای میان این سه است که در مقام یک مکانیزم یا عامل به حرکت در آورنده همیشگی، اراده ملت را برای اداره سرزمین به حکومت منتقل می‌کند. "ملت" اراده خود را از راه دموکراسی و انتخابات به حکومت منتقل می‌کند و حکومت را یاری می‌دهد که توسط دولت‌های انتخاب شده که رکن اجرایی حکومت است، کار اداره "سرزمین" را پیگیری نماید. از سوی دیگر، دموکراسی و انتخابات از آن روی در مباحث جغرافیای سیاسی می‌گنجد که به اصل جدایی‌ناپذیری سه پدیده یا عنصر تشکیل دهنده کشور: یعنی "ملت = Nation"،

"حکومت = State"، و "سرزمین = Territory" مربوط می‌شود. هر یک از این سه پدیده تشکیل‌دهنده مفهوم علمی "کشور = State" در چارچوب مفاهیم سیاسی ویژه‌ای است و هر یک از آنها دارای زیر مجموعه‌های ویژه خود است؛ چنانکه پدیده "ملت" شامل عناصر و یا مفاهیمی است مانند "ملیت"، "قومیت"، احزاب و انتخابات.

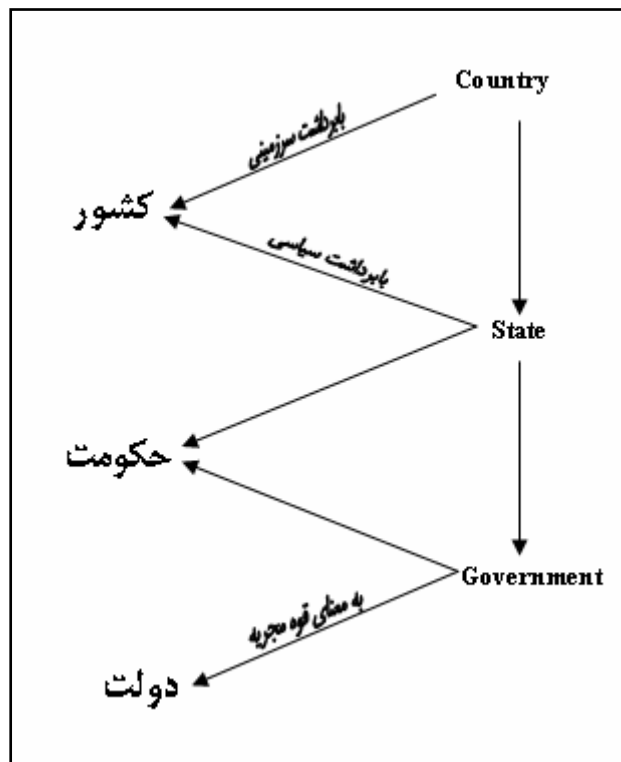


نمودار شماره ۳: عناصر سه‌گانه تشکیل‌دهنده کشور و تقسیمات کلی آنها

"حکومت" ضمن این که مفهوم "حاکمیت" را در خود دارد، شامل عناصری یا ارکانی است همانند قوای سه‌گانه کشور: ۱- مجریه یا "دولت"، ۲- مقننه یا "پارلمان"، ۳- قضائیه یا داوری میان مردمان برای رسیدن به دادگری در جامعه، و موجودیت سیاسی کشور ناشی از ترکیب این هر سه مورد و نیز پشتیبانی نیروهای دفاعی کشور است. بر همین اساس هماهنگی بین قوای اصلی حکومت و نیز فرماندهی کل قوای دفاعی بر عهده رئیس کشور / حکومت The Head of State است.

"سرزمین" نیز ضمن این که مفاهیمی چون "میهن"، "قلمرو" و "سرزمین‌گرائی" را در خود دارد، در مطالعات جغرافیای سیاسی شامل ساختارها و سیستم‌های سرزمینی است، همچون "تقسیمات کشوری"، "مرز"، "شبکه‌های ارتباطی و سکونتگاهی" و غیره.

نمودار شماره ۳: معانی واژه‌ها در برداشتهای مختلف



### نتیجه گیری

در این بررسی واژگان زیر و معادل فارسی آنها مورد توجه قرار گرفت.

- ۱- State به عنوان واقعیت ترکیبی مشتمل بر سرزمین، ملت و نظام سیاسی به معنای کشور؛
- ۲- State به عنوان ساختار سیاسی و بعد عمودی کشور به معنای حکومت؛
- ۳- Country با برداشتی سرزمینی و جغرافیائی به معنای کشور؛
- ۴- Government به معنای دولت به مفهوم قوه مجریه. این واژه گاهی به معنای حکومت نیز بکار می‌رود؛
- ۵- Local State به معنای حکومت محلی؛
- ۶- Local Government به معنای دولت محلی؛

۷- Sovereignty به معنای حاکمیت؛

۸- Territory به معنای سرزمین؛

۹- Nation به معنای ملت؛

۱۰- Nation State به معنای حکومت ملت پایه / حکومت ملتی؛

۱۱- Tribal State به معنای حکومت قبیله‌ای؛

۱۲- Territorial State به معنای حکومت سرزمینی؛

۱۳- Territoriality به معنای سرزمین‌گرایی؛

۱۴- The Head of State به معنای رئیس کشور / رئیس حکومت.